****

[بیان استاد در مورد اصل مثبت : چهار مقام در مسأله 2](#_Toc493732843)

[مقام اول : حجیت اصل مثبت 2](#_Toc493732844)

[کلام مرحوم محقق ایروانی : تفصیل بین حجیت لوازم و حجیت ملزومات و ملازمات 3](#_Toc493732845)

[کلام مرحوم سید یزدی : تفصیل بین حجیت لوازم و حجیت ملزومات و ملازمات 4](#_Toc493732846)

[دلیل محقق ایروانی : وجود اطلاق در دلیل استصحاب 4](#_Toc493732847)

[اشکال : وجه عدم اطلاق حجیت اصل مثبت 4](#_Toc493732848)

[جواب : وجود انتساب در خصوص معلول متیقن 5](#_Toc493732849)

**موضوع**: کلام صاحب کفایه /تنبیه هفتم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در استثنائات اصل مثبت بود.

بحث در آخرین استثنای مذکور در کلام صاحب کفایه در اصل مثبت بود. ایشان فرمودند: در مواردی که تلازم جلی و واضح باشد (البته از آن جا که نکته مطلب، جلای ملازمه است نه جلای واسطه، تعبیر جلای ملازمه صحیح است؛ اگر چه در این موارد، جلای واسطه هم وجود دارد.) اصل مثبت حجت است و تنزیل به لحاظ آثار لوازم هم خواهد بود. تعلیل ایشان در این قسمت این گونه بود : بمثابة عد أثره أثرا لهما.[[1]](#footnote-1)

عرض کردیم که اگر این کلام ایشان را به معنای این بگیریم که اثر واسطه اثر ذی الواسطه هم می باشد اشکال می شود که اگر چه این مطلب در مورد معلول العلۀ درست است و اثر معلول، اثر علت محسوب می شود، ولی در مورد متلازمین و علۀ المعلول درست نیست و نمی توان آثار علت را به معلول نسبت دارد. مثلا آثار حرارت را می توان به آتش نسبت داد، ولی آثار آتش را نمی توان به حرارت نسبت داد.

با توجه به این مطلب گفتیم که مراد ایشان چیز دیگری است. مراد ایشان این است که نهی از نقض یقین، فقط به لحاظ آثار متیقن نیست، بلکه به لحاظ آثار لازم بیّن (اعم از لازم و ملازم و ملزومات متیقن) هم می باشد و عدم ترتیب آثار لازم بیّن، نقض یقین محسوب می شود، لذا کأنّه آثار لازم، به واسطه تعبد به آثار ملزوم، مورد تعبد شارع قرار گرفته است و عدم ترتب آن ها نقض یقین محسوب می شود. مرحوم آخوند نیز در عبارتشان این گونه آورده اند : فإن عدم ترتيب مثل هذا الأثر عليه يكون نقضا ليقينه بالشك أيضا بحسب ما يفهم من النهي عن نقضه عرفا.[[2]](#footnote-2)

سپس مرحوم آخوند وارد بحث فرق بین اصول و امارات و وجه عدم حجیت لوازم در خصوص دومی و نیز تفاوت بین اصول و امارات شده اند. اجمال ادعای ایشان این است که اطلاق دلیل امارات، شامل لوازم هم می شود، بر خلاف ادله اصول. کلام ایشان در مورد عدم حجیت لوازم در اصول عملیه گذشت و کلام ایشان در مورد لوازم امارات را بیان خواهیم کرد.

#### بیان استاد در مورد اصل مثبت : چهار مقام در مسأله

به نظر ما برای بحث اصل مثبت می بایست در چند مقام بحث شود :

مقام اول : آیا اصل مثبت در اصول عملیه، اقتضای حجیت را دارد یا خیر؟

مقام دوم : بنا بر قصور ادله در حجیت اصل مثبت، آیا همان طور که علماء بیان فرموده اند، استثنایی در مورد آن وجود دارد؟

مقام سوم : آیا مثبتات امارات حجت است یا نه؟

مقام چهارم : فرق بین اصول و امارات در چیست؟

##### مقام اول : حجیت اصل مثبت

آیا در مورد اصول عملیه، اصل مثبت حجیت دارد و دلیل حجیت اصول نسبت به آنها اطلاق دارد؟

خلاصه کلام مرحوم آخوند این شد که سه تقریب برای این مسأله وجود دارد که طبق یک تقریب، اصل مثبت حجت نیست و طبق دو تقریب حجت است.

مشهور بین محققین از متاخرین این است که مثبتات اصول عملیه حجت نیست، بلکه مرحوم شیخ در رسائل فرموده اند: این مطلب قابل استناد به هیچ فقیهی نیست و در عده ای از موارد اصلا گمان نمی رود که هیچ فقیهی قائل به نتایج مسأله شود. مثلا شخصی که خود را در زمان سابق در عبا پیچیده بود و بعد از مدتی، شک در وجود وی در عبا کردیم، نمی توانیم با استصحاب وجود وی در عبا، اثبات کنیم که این ضربه شمشیری که عبا را نصف کرد، سبب قتل وی بوده است.[[3]](#footnote-3)

برخی از محققینِ متأخّر، در مساله اصل مثبت تفصیل داده اند و فرموده اند: در اصل مثبت باید تفصیل داد و در مواردی قائل به حجیت آن شد. مرحوم محقق ایروانی[[4]](#footnote-4) و مرحوم سید یزدی[[5]](#footnote-5) قائل به یک تفصیل شده اند، اگرچه کلام این دو بزرگ، یک فرق جزئی با هم دارد. در کلام محقق ایروانی قیدی وجود دارد که در کلام سید یزدی نیست. محصل کلام محقق ایروانی را امروز بیان می کنیم و کلام مرحوم سید یزدی در حاشیه رسائل را به شکل اشاره، بیان خواهیم کرد.

###### کلام مرحوم محقق ایروانی : تفصیل بین حجیت لوازم و حجیت ملزومات و ملازمات

مرحوم محقق ایروانی از اول، بحث را در مطلق اصول عملیه مطرح کرده اند که حق هم همین است و بحث در اصل مثبت اعم از استصحاب و غیر آن می باشد. مثبتات قاعده فراغ و اصل براءۀ و قاعده ید و ... نیز داخل در محل بحث است.

ایشان فرموده اند : باید بین بین لوازم و آثار و بین ملزومات و ملازمات تفصیل داد. حجیت در مورد لوازم یا آثار مستصحب وجود دارد، ولی در مورد ملزومات و ملازمات مستصحب وجود ندارد. مثلا با استصحاب حیات صرفا می توان آثار نبات لحیه که معلولش می باشد را مترتب کرد، ولی آثار علت حیات را نمی توان مترتّب کرد؛ چرا که ممکن است علت بقای شیء، امری غیر از علت محدثه اش بوده باشد. در همین مورد حیات زید، اگر چه پدر زید علت محدثه حیات زید بوده است ولی چه بسا وی فوت کرده باشد و حیات زید توسط برادرش ادامه پیدا کرده باشد و برادر وی علت مبقیه اش بوده باشد.

حال باید توجه داشت که در این مثال، حتی در فرض علم به فوت پدر، با استصحاب حیات زید نمی توان آثار حیات برادرش را مترتّب کرد، اگر چه حیات زید در صورت تحقق کنونی، منفک از حیات برادرش نمی باشد.

پس به واسطه استصحاب، آثار متیقن و لوازم آن، مترتب می شود، ولی هیچ یک از آثار علت متیقن و نیز ملازماتش، مترتب نمی شوند.[[6]](#footnote-6)

ایشان این مطلب را در کتاب الاصول فی علم الاصول بیان کرده اند که عصاره علمی ایشان است و مشتمل بر نکاتی است که در کتب دیگر وجود ندارد.

###### کلام مرحوم سید یزدی : تفصیل بین حجیت لوازم و حجیت ملزومات و ملازمات

نظیر همین تفصیلِ محقق ایروانی را مرحوم سید یزدی در حاشیه رسائل بیان کرده اند با این فرق که مرحوم ایروانی این نکته را اضافه نموده اند که اگر وسائط کثیر و بعید باشد دیگر آثارشان مترتب نمی شود. پس معلول نباید بعید باشد و در صورت واسطه زیاد، اثرش مترتب نمی شود.[[7]](#footnote-7)

نکته : مرحوم سید در مورد مثبتات امارات هم عین تفصیل در مثبتات اصول را می دهند.

دلیل محقق ایروانی : وجود اطلاق در دلیل استصحاب

تا این جا مدعای محقق ایروانی این شد که آثار لوازم مستصحب (آثار معلولات قریبه مستصحب) مترتب می شوند، ولی آثار ملازمات مستصحب (اعم از آثار علل مستصحب و آثار غیر علل) مترتب نمی شوند. ایشان در بیان علت مطلب، ابتدا وجه حجیت مطلق مثبتات را به نکته ای که منشأ آن در کلام صاحب کفایه ذکر شده است بیان نموده اند و سپس وجه مدعای خود را ذکر می کنند.

ایشان فرموه اند : نکته کلام ما این است که دلیل نهی از نقض یقین، نسبت به آثار متیقن اطلاق دارد و آثار مع الواسطه را هم شامل می شود. تعبد به حیات، علاوه بر اثبات آثار بلا واسطه آن، مثل بقاء ملکیت و وکالت، اثبات آثار با واسطه آن را نیز می کند. ایشان در اینجا تعبیر به اثر الاثر اثر نکرده اند، ولی واقع بیان ایشان همین است، کما این که ایشان تمثیل به ولد الولد ولد کرده اند.[[8]](#footnote-8) پس در دلیل استصحاب، قیدِ (بلا واسطه) نیامده است و لذا آثار مع الواسطه و بلا واسطه مشمول دلیل استصحاب هستند.

ایشان سپس اشکال و جوابی را ذکر می کنند :

اشکال : وجه عدم اطلاق حجیت اصل مثبت

شارع فقط تعبد به اثر متیقن داده است نه اثر لازمه آن. اگر شارع تعبد به اثر لازمه داده باشد می بایست اثر ملازمات و ملزومات هم مترتب شود در حالی که خود محقق ایروانی این آثار را مترتب نمی کند.

جواب : وجود انتساب در خصوص معلول متیقن

نسبت به آثار مترتب بر معلول گفتیم از آن جا که علتِ معلول، دخیل و مؤثّر در معلول و اثر آن می باشد می توان آن آثار را اسناد به علت داد. علت معلول، دخیل در آثار معلول خود می باشد.

برای مثال آثار نبات لحیه، آثار حیات هم هست، لکن آثار حیات، منتسب به نبات لحیه نمی شود. ملکیت که اثر حیات است را نمی توان به معلول حیات که نبات لحیه است اسناد داد. شارع گفته است : اگر این شخص زنده است، ملکیت هم دارد، ولی نگفته است که اگر نبات لحیه دارد پس ملکیت هم دارد.

فرق آثار لوازم و آثار ملازمات و ملزومات این است که آثار لوازم به خاطر مؤثّر بودن علت در آن ها، منتسب به علت می شوند، ولی آثار ملازمات و ملزومات، چنین انتسابی ندارند. بله، اگر لازمه، بعید باشد، حتی اثر لازم هم مترتب نمی شود.

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص416.](http://lib.eshia.ir/27004/1/416/عد) [↑](#footnote-ref-1)
2. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص416.](http://lib.eshia.ir/27004/1/416/بحسب) [↑](#footnote-ref-2)
3. [فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، ج3، ص242.](http://lib.eshia.ir/13056/3/242/المعلوم) [↑](#footnote-ref-3)
4. [الاصول فی علم الاصول، علی ایروانی، ج2، ص401.](http://lib.eshia.ir/86447/2/401/السادس) [↑](#footnote-ref-4)
5. قوله: دون غيرها من الآثار العقلية و العادية

   مجموع ما استدل به لعدم حجية الاصول المثبتة وجوه ثلاثة... حاشية فرائد الأصول، ج‏3، ص: 272 [↑](#footnote-ref-5)
6. [الاصول فی علم الاصول، علی ایروانی، ج2، ص401.](http://lib.eshia.ir/86447/2/401/السادس%20) [↑](#footnote-ref-6)
7. قوله: دون غيرها من الآثار العقلية و العادية

   مجموع ما استدل به لعدم حجية الاصول المثبتة وجوه ثلاثة... حاشية فرائد الأصول، ج‏3، ص: 272 [↑](#footnote-ref-7)
8. [الاصول فی علم الاصول، علی ایروانی، ج2، ص402.](http://lib.eshia.ir/86447/2/402/الولد) [↑](#footnote-ref-8)